

یادداشت

تهران ۱۴۱۰؛ صورت‌حساب «صفر»‌های امروز

بسته مادرانه نیز به جای تمرکز صرف بر پرداخت اعتبار، با مهدکودک، سلامت مادر و کودک، خدمات محله‌ای، حمل‌ونقل مناسب خانواده و کاهش هزینه مراقبت از کودک ترکیب می‌شود.
شواهد OECD نشان می‌دهد حمایت نقدی خانوار می‌تواند هزینه مستقیم داشتن فرزند را کاهش دهد، اما اثر آن بر باروری عموما محدودتر از مجموعه‌ای منسجم از سیاست‌های مرخصی، مراقبت از کودک، امنیت اقتصادی و کاهش هزینه مسکن است. UNFPA نیز گزارش کرده است که مشوق مالی به‌تنهایی معمولا اثر پایدار بزرگی بر تعداد نهایی فرزندان خانواده ایجاد نمی‌کند و در برخی موارد بیشتر زمان تولد را جلو می‌اندازد. در این سناریو، شهرداری همچنان بازیگر رفاه شهری است، اما تلاش می‌کند هر تومان را به جایی هدایت کند که بیشترین اثر اجتماعی را ایجاد کند.

سناریوی سوم: تهران به «دولت رفاه شهری» تبدیل می‌شود

سناریوی سوم زمانی شکل می‌گیرد که هر سه سیاست نه‌تنها ادامه یابند بلکه به‌تدریج دائمی شهروندان تبدیل شوند. مترو رایگان می‌ماند، تثبیت قیمت کالا به یک برنامه مستمر حمایت از معیشت تبدیل می‌شود و هر نسل جدید کودکان برای دو سال وارد برنامه مادرانه می‌شود. اینجا محاسبات اهمیت پیدا می‌کنند. در سطح فعلی تقریبا ۶۳ هزار تولد، فقط دو تعهد قابل محاسبه فعلی یعنی بلیت رایگان + بسته مادرانه در وضعیت پایدار سالانه حدود ۸.۶ تا ۹.۳ همت منابع نیاز خواهند داشت. این رقم هنوز هزینه احتمالی تورم صفر را شامل نمی‌شود. با بودجه ۳۲۲ همتی تهران در سال ۱۴۰۵، این میزان تقریبا ۲.۷ تا ۲.۹ درصد کل بودجه فعلی شهر است. بودجه مصوب ۱۴۰۵ حدود ۳۲۲ همت بوده و بیش از ۱۷۰ همت آن برای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شده است. در مقایسه با اعتبارات سرمایه‌ای، این دو تعهد به‌تنهایی معادل حدود پنج تا پنج‌ونیم درصد بودجه سرمایه‌ای فعلی شهر هستند. اگر هدف ۱۴۳ هزار تولد محقق شود چه؟ در آن صورت هزینه پایدار بسته مادرانه به حدود ۱۲ تا ۱۳.۷ همت در سال می‌رسد. با اضافه‌کردن ۳.۳ همت درآمد زدست‌رفته بلیت، ۱۵.۳ تا ۱۷ همت در سال فقط برای همین دو سیاست درگیر خواهد شد. این عدد با قیمت سال ۱۴۰۵ تقریبا معادل ۴.۸ تا ۵.۳ درصد کل بودجه فعلی شهرداری و حدود ۹ تا ۱۰ درصد بودجه سرمایه‌ای فعلی تهران است و همچنان هزینه طرح تثبیت قیمت کالا در این محاسبه صفر فرض شده است. این شاید مهم‌ترین عدد مقاله باشد: زیرا نشان می‌دهد «تهران ۱۴۱۰» فقط درباره مبلغ چند میلیون تومان پرداختی امروز نیست؛ درباره تغییر ترکیب هزینه‌های شهر است.

صورت‌حساب پنج‌ساله تهران ۱۴۱۰

اگر فرض کنیم فقط متروی رایگان و بسته مادرانه از ۱۴۰۶ تا پایان ۱۴۱۰ به شکل عمومی ادامه پیدا کنند و همه اعداد را با قدرت خرید سال ۱۴۰۵ ثابت نگه داریم، در سطح ۶۳ هزار تولد سالانه، حداقل منابع مورد نیاز در پنج سال حدود ۴۳ تا ۴۷ همت خواهد بود. اگر تعداد تولدها به رقم ۱۴۳ هزار برسد، ۷۶.۵ تا ۸۵ همت منابع درگیر خواهد شد. این محاسبات هزینه «تورم صفر»، افزایش هزینه اداری، توسعه دامنه حمایت‌ها و هر برنامه رفاهی جدید دیگری را شامل نمی‌شوند. به عبارت دیگر، اینها کف تعهد قابل محاسبه هستند، نه سقف آن.

بودجه‌ای که دیگر آزاد نیست

این بخش از موضوع شاید از خود رقم هزینه مهم‌تر باشد. بودجه شهرداری فقط پول نیست. بودجه یعنی اختیار انتخاب آینده. اگر بخش بزرگ‌تری از درآمد هر سال پیشاپیش صرف تعهدات جاری شود، شورای شهر و مدیریت شهری آینده آزادی کمتر برای مواجهه با مشکلات جدید خواهند داشت. فرض کنید تهران ۱۴۱۰ با یک بحران جدید روبه‌رو شود؛ کمبود آب، فرونشست، آلودگی شدید، زلزله، فرسودگی ناوگان یا ضرورت سرمایه‌گذاری فوری در زیرساخت. اگر بخش بیشتری از بودجه پیشاپیش به پرداخت‌های مستمر اختصاص یافته باشد، ظرفیت واکنش شهر کاهش می‌یابد. در مالیه عمومی این تفاوت میان هزینه جاری تعهدآور و سرمایه‌گذاری مولد دارایی بسیار مهم است. تهران در بودجه ۱۴۰۵ بیش از ۱۷۰ همت برای دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شد. هر سیاست جاری دائمی به معنای آن است که در سال‌های کم‌درآمد، رقابت میان «پرداخت تعهدات موجود» و «ساخت آینده شهر» شدیدتر خواهد شد.

خطر اصلی: قفل شدن سیاست

برنامه‌ای که امروز آغاز می‌شود الزاما فردا به‌راحتی قابل حذف نیست. شهروندی که چند سال مترو را رایگان استفاده کرده، افزایش دوباره کرایه را به‌عنوان «افزایش هزینه» تجربه می‌کند. خانواده‌ای که به کالای تثبیت‌شده عادت کرده، حذف آن را کاهش رفاه می‌داند. و خانواده‌ای که هنگام تولد کودک وعده حمایت دوساله دریافت کرده است، طبعاً انتظار دارد این وعده تا پایان دوره اجرا شود. این همان وابستگی به مسیر است. هر سیاست جدید نه‌فقط هزینه مالی، بلکه «انتظار سیاسی و اجتماعی» ایجاد می‌کند. با این انتظار، عمر سیاست باید بسیار بیشتر از عمر مدیریتی باشد که آن را آغاز کرده است. یک پرسش نهادی: وظیفه چه کسی است؟ موضوع بسته مادرانه، یک مسئله دیگر را نیز آشکار می‌کند؛ دولت از سال ۱۴۰۵ «کارت امید مادر» را اجرا کرده که برای همه دک‌ها ماهانه دو میلیون تومان اعتبار برای کودک متولدشده از ابتدای ۱۴۰۵ تا پایان دوسالگی در نظر گرفته است. اگر بسته خانوادگی مستقل از آن باشد، یک خانواده تهرانی ممکن است هم‌زمان از برنامه ملی و برنامه شهری برخوردار شود. ممکن است این سطح از حمایت توجیه داشته باشد، اما مسئله حکمرانی این است: آیا میان دولت و شهرداری تقسیم وظیفه‌ای طراحی شده یا دو دستگاه عمومی برای یک مسئله و یک جامعه هدف برنامه‌های موازی ایجاد کرده‌اند؟ ادبیات حکمرانی چندسطحی نیز بر اهمیت تقسیم روشن مسئولیت‌ها و هماهنگی مالی میان سطوح حکومت تأکید دارد؛ زیرا عدم هماهنگی می‌تواند به موازی‌کاری، عدم شفافیت و تضعیف پاسخ‌گویی منجر شود. آیا شهرداری ابزار بهتری برای حمایت از خانواده ندارد؟ این پرسش به معنای مخالفت با حمایت از مادر و کودک نیست؛ برعکس، شاید شهرداری در بعضی حوزه‌ها ابزارهایی در اختیار داشته باشد که دولت مرکزی به سختی می‌تواند ارائه دهد. مهدکودک محله‌ای، خانه کودک، فضای عمومی مناسب خانواده، دسترسی آسان با کالسکه، پارک‌های کودک‌محور، مراقبت روزانه ارزان، دسترسی به مراکز سلامت محلی، حمل‌ونقل مناسب مادر و کودک و حتی سیاست‌های شهری مرتبط با مسکن خانواده‌های جوان همگی مستقیم به کیفیت زندگی شهری مربوط هستند.

OECD نیز در بررسی روندهای باروری نشان می‌دهد هزینه مسکن، امکان جمع‌کردن اشتغال با فرزندداری و دسترسی به مراقبت از کودک از متغیرهای مهم مرتبط با تصمیم خانوارها هستند؛ حمایت نقدی تنها یکی از اجزای این مجموعه است. بنابراین سؤال مهم‌تر این است: آیا مزیت شهرداری در پرداخت پول است یا در ارزان‌کردن زندگی خانوادگی از طریق ساخت یک شهر مناسب خانواده؟

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

شرق: اعتراض اولیه دانش‌آموزان به کمبود معلم، فرسودگی مدارس و فشار نظام آموزشی فرانسه طی بیش از دو هفته به آشوبی سراسری با هزاران بازداشتی و درگیری‌های خشونت‌آمیز تبدیل شده است؛ بحرانی که اکنون علاوه بر بودجه آموزش، به مسئله نظم عمومی و رقابت سیاسی پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۷ گره خورده است. ده‌ها هزار دانش‌آموز دبیرستانی، معلم و فعال اتحادیه‌ای طی هفته‌های اخیر در پاریس و شهرهائی مانند لیل، لیون، مarse و تولوز به خیابان آمده‌اند. مطالبات اولیه مشخص بود: کلاس‌های بیش از حد شلوغ، کمبود معلم، ساختمان‌های فرسوده و کمبود امکانات آموزشی، تحصن، تعطیلی کلاس‌ها و بستن ورودی مدارس به‌تدریج گسترش یافت و آشوب‌هایی که طبق روال موارد پیشین از حومه پاریس شروع شده بود، به نقاط مختلف فرانسه رسید. روتبرز گزارش کرده است اعتراض‌ها در روزهای اخیر به بزرگ‌ترین مرحله خود رسیده و صدها مدرسه تعطیل شده‌اند.

دولت برای بودجه ۲۰۲۷ افزایش ۱.۷درصدی هزینه آموزش را پیشنهاد کرده، اما هم‌زمان با کسری بودجه بالا، باید فزاینده و افزایش هزینه استقراض روبه‌رو است؛ شرایطی که فضای مانور برای پاسخ مالی گسترده به مطالبات دانش‌آموزان و معلمان را محدود کرده است. آشوب و خشونت به تدریج تصویر جنبش را تغییر داد. آتش‌زدن خودرو و ساختمان، پرتاب مواد آتش‌زا و درگیری با نیروهای پلیس در شماری از شهرها ثبت شده و پلیس نیز از گاز اشک‌آور، باتوم و تجهیزات ضدشورش استفاده کرده است. شمار بازداشت‌ها با ادامه ناآرامی‌ها به چند هزار نفر رسیده که بخش بزرگی از آنها نوجوان هستند. صدها نفر از دانش‌آموزان، کارکنان مدارس و نیروهای پلیس نیز زخمی شده‌اند. برخورد پلیس خود به بخشی از بحران تبدیل شده است. یک دانش‌آموز ۱۵ساله در شهر لانس پس از برداشتن نارنجک پلیس یک دست خود را از دست داد و مقام‌ها درباره این حادثه پلیس دیگری از آسیب‌دین نوجوانان تحقیق می‌کنند. منتقدان، پلیس را به استفاده نامتناسب از زور علیه افراد کم‌سن متهم کرده‌اند؛ مقام‌های دولتی در مقابل می‌گویند بخشی از اعتراض‌ها از مرحله تجمع دانش‌آموزی عبور کرده و به خشونت شهری تبدیل شده است.

اعتراض‌هایی با ریشه واقعی

در پس تصاویر آتش و درگیری، بحران مدارس همچنان واقعی است. اعتراض‌ها ابتدا در واکنش به برنامه‌های درسی نامنظم، کمبود مستمر معلمان و شرایط نامناسب ساختمان‌های آموزشی شکل گرفت. حتی لوموند تأکید کرده است نخستین حرکت‌ها ماهیتی خودجوش داشتند و پیش از ورود دیگری از احزاب و اتحادیه‌ها، دانش‌آموزان در حومه پاریس درباره شرایط روزمره تحصیل و نگرانی از آینده اعتراض می‌کردند. یکی دیگر از موضوعات ناراضیاتی، «پارکور سوپ»، سامانه پذیرش دانشگاهی فرانسه است. این سامانه به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد درخواست‌ها را بر پایه ارزیابی شایستگی رتبه‌بندی کنند، اما معیارهای رتبه‌بندی برای بسیاری از دانش‌آموزان شفاف نیست. منتقدان می‌گویند سرازوکار موجود عملا به سود خانواده‌های برخوردارتر تمام می‌شود و با اصل برابری در نظام آموزشی فرانسه فاصله دارد. این مطالبات اکنون با فشار مالی دولت برخورد کرده است. فرانسه باید هم هزینه آموزش را افزایش دهد و هم کسری بودجه‌ای را مهار کند که حدود ۵.۴ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده و بدی عمومی نیز به حدود ۱۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. دولت لکورنو برای کاهش کسری در بودجه ۲۰۲۷ به دنبال ده‌ها میلیارد یورو صرفه‌جویی است؛ بنابراین

اعتراض به وضعیت مدارس فرانسه با آشوب خیابانی و رقابت انتخاباتی در هم آمیخته است

بحران آموزش، آزمون سیاست فرانسه



پاسخ به مطالبه «منابع بیشتر» بدون ایجاد فشار تازه بر بودجه آسان نیست.

درگیری بر سر مسئولیت خشونت

با گسترش اعتراض‌ها، تنش سیاسی نیز شدت گرفته است. دولت لکورنو حزب «فرانسه تسلیم‌ناپذیر» یا LFI به رهبری ژان‌لوک ملانشون چهره چپ‌گرای رادیکال را متهم کرده که از ناراضیاتی دانش‌آموزان برای گسترش اعتراض‌های سیاسی استفاده می‌کند. لکورنو حتی گفته است LFI و گروه‌های نزدیک به چپ رادیکال در تشدید جنبش نقش داشته‌اند. حزب و رهبران آن این اتهام را رد می‌کنند و بر مشروعیت مطالبات دانش‌آموزان و ضرورت اعتراض به رفتار پلیس تأکید دارند. اسناد اطلاعاتی که لوموند به آنها دست یافته است، تصویر پیچیده‌تری ارائه می‌کنند. یک گزارش اطلاعاتی درباره سن‌سرن‌دنی از تلاش برخی گروه‌های سیاسی و اتحادیه‌ای برای تأثیرگذاری بر اعتراض‌ها سخن گفته است، اما لوموند نتیجه گرفته شواهد موجود بیشتر از تلاش این گروه‌ها برای سوارشدن بر جنبشی پرانگده و تا حد زیادی خودجوش حکایت دارد تا کنترل کامل آن از ابتدا. ملانشون نیز میان حمایت از جنبش و فاصله‌گرفتن از خشونت حرکت کرده است. او پس از بالاگرفتن درگیری‌ها، بر اعتراض بدون خشونت و انضباط تأکید کرد، هرچند پیش‌تر برخورد پلیس را به‌شدت محکوم کرده و فعالان حزبش را به حضور در کنار دانش‌آموزان فراخوانده بود. همین دوگانگی LFI را در موقعیتی قرار داده که می‌تواند از ناراضیاتی نسل جوان بهره ببرد، اما هم‌زمان خطر پیوندخوردن نامش با تصاویر آتش‌سوزی و درگیری را نیز تحمل می‌کند.

آموزش به جای نظم

اندرو هاسی، نویسنده کتاب «فرانسه متفرق» که سال‌ها درباره شکاف‌های اجتماعی و سیاسی این کشور نوشته، معتقد است نقطه تعین‌کننده بحران نه آغاز اعتراض‌ها، بلکه تغییر تصویر آنها در ذهن افکار عمومی است. از نگاه او، صحنه‌های حمله به مأموران، آتش‌سوزی و تخریب می‌تواند بحث را از کیفیت آموزش به مسئله نظم و امنیت منتقل کند. نمونه‌های خشونت ثبت‌شده کم نیستند. حمله گروهی به یک مأمور پلیس زن در پاریس، ضرب‌وشتم مأموری لباس‌شخصی در بلفور و حمله با وسیله آتش‌زا به زنی در مارسی ازجمله حوادثی هستند که بازتاب گسترده‌ای یافته‌اند. در بیش از هزار مدرسه نیز اشکالی از اعتصاب، مانع‌گذاری یا اعتراض ثبت شده است. این همان نقطه‌ای است که مارین لوین و حزب اجتماع ملی، RN، تلاش دارند وارد آن شوند. لوین خواهان مقررات سخت‌تر علیه آشوبگران و ملانشون را به تشدید فضای مدارس متهم کرده است. این موضع یا دستور

کار امنیت و نظم عمومی حزب او همخوانی دارد. اهمیت این جدال در تقویم سیاسی فرانسه است. انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۷ نزدیک می‌شود و داده‌های تازه همچنان لوین را در صدر نظرسنجی‌های دور نخست قرار می‌دهند. روتبرز نیز این هفته از او به‌عنوان نامزد پیششار راست در رقابت ریاست‌جمهوری یاد کرده است. این داده‌ها نتیجه انتخابات را تعیین نمی‌کنند، اما نشان می‌دهند هر بحران اجتماعی بزرگ می‌تواند بر موضوعات مسلط کارزار تأثیر بگذارد. هاسی بر همین اساس در تحلیلی در «ان هرد» هشدار می‌دهد که راهبرد تقابل خیابانی ممکن است نتیجه‌ای برخلاف انتظار LFI داشته باشد. او به آشوب‌های ۱۹۶۸ اشاره می‌کند که در کوتاه‌مدت فضای فرانسه را انقلابی کرد و چپ‌ها از آن سود بردند، اما در انتخابات بعدی به سیج گسترده رای‌دهندگان محافظه‌کار کمک کرد. قیاس امروز با ۱۹۶۸ کامل نیست؛ فرانسه کنونی با شکاف‌هایی درباره مهاجرت، هویت، مذهب، امنیت و اقتصاد روبه‌رو است که با فضای آن دوره تفاوت جدی دارد.

بحران آموزش

مشکل دولت این است که تمرکز صرف بر خشونت می‌تواند مطالبات اولیه دانش‌آموزان را نادیده بگیرد، در حالی که نادیده‌گرفتن تخریب و حمله نیز خطر از دست رفتن حمایت عمومی را دارد. لوموند نیز هشدار داده جدال سیاسی میان دولت LFI و ممکن است خواسته‌های اصلی درباره کیفیت مدارس را زیر سایه نبرد امنیتی قرار دهد. در سوی دیگر، LFI باید میان بسیج هواداران جوان و فاصله‌گرفتن روشنش از خشونت تعادل برقرار کند. اجتماع ملی نیز تلاش دارد ناراضیاتی از بی‌نظمی را به محور وسعج‌تری درباره اقتدار دولت تبدیل کند. دولت مرکزی در میانه این رقابت باید هم برای مدارس پول پیدا کند و هم نشان دهد کنترل خیابان را از دست نداده است. به همین دلیل، اعتراض‌های مدارس دیگر فقط پرورده‌ای درباره کمبود معلم یا ساختمان‌های نامناسب نیست؛ بحران به آزمونی برای سه جریان اصلی فرانسه تبدیل شده است: دولت میانه‌رو که میان ریاضت مالی و فشار اجتماعی گرفتار شده است، چپ ملانشون که می‌خواهد اعتراض را به نیروی سیاسی تبدیل کند و راست لوین که بی‌نظمی را شاهدهی بر ضرورت سیاست سخت‌گیرانه‌تر می‌داند. نتیجه سیاسی این بحران هنوز روشن نیست؛ آنچه روشن‌تر شده، این است که هرچه تصاویر خشونت بیشتر جای مطالبات آموزشی را بگیرد، محور بحث عمومی نیز بیشتر از «چگونه مدارس را اصلاح کنیم؟» به «چه کسی قادر است نظم را حفظ کند؟» تغییر می‌کند؛ جایه‌جایی‌ای که می‌تواند ماه‌های آینده سیاست فرانسه را بسیار فراتر از دیوارهای مدارس تحت تأثیر قرار دهد.

آمریکا خواستار انتشار شفاف اطلاعات درباره مرگ مشکوک در مؤسسه ضد طاعون سبیری شده است

واشینگتن چشم به ایرکوتسک

رویو بیماری می‌تواند از فردی به فرد دیگر منتقل شود، هرچند سرایت معمولاً به تماس نزدیک و طولانی‌مدت نیاز دارد. سازمان جهانی بهداشت طاعون رویو را شکلی کمتر شایع اما بسیار شدید از بیماری می‌داند و تأکید می‌کند که بدون درمان می‌تواند کشنده باشد. علائم احتمالی نیز شامل تب، تنگی نفس و خلط خونی است. در مقابل، مقام‌های منطقه‌ای روسیه می‌گویند آزمایش‌های انجام‌شده هیچ میکروارگانیسمی مرتبط با فعالیت حرفه‌ای فرد در گذشته نشان نداده و طی روزهای بعد نیز بیماری عفونی تازه‌ای در میان کارکنان مؤسسه ثبت نشده است. ایگور کوبزف، فرماندار ایرکوتسک، گفته این زن تنها مورد شناخته‌شده بوده و علت مرگ همچنان ذات‌الریه با منشأ نامشخص شده، اعلام شده، می‌شود. با وجود این اطمینان‌بخشی، دامنه اقدامات احتیاطی توجه‌ها را بیشتر کرده است. حدود ۲۰۰ نفر از کسانی که ممکن

شناسنامه، برگ سبز، سند کمپانی، کارت خودرو، کارت بیمه، کارت سوخت
سمند سورن پلاس سفید روغنی مدل ۱۴۰۴
به شماره پلاک ۱۴۵ ایران ۵۵۵۲۵۵۱۴
شماره شاسی NAACV۱HLFSYN۲۷۱۰۴
و شماره موتور ۱۲۵K۰۵۴۰۵۲۷
به نام **مانده قانونی کرمانی فرزند حمید**
در ۰۵/۰۷/۱۴۰۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی پژو ۴۰۵ تاکسی زرد مدل ۱۳۸۸
به شماره پلاک ۱۷۸ ایران ۸۳۳۷ت۳۵
شماره شاسی NAAMIICA۵۹E۰۱H۱۶۱
و شماره موتور ۱۲۴۸۸۰۹۴۳۷۰
به نام **کیومرث علم خانی با کد ملی ۳۱۷۴۳۴۳۷۴۰**
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

www.sharghdaily.ir

گزارش

تقابل تازه ریاض و حوثی‌ها

درگیری در یمن با شدت‌گرفت عملیات نیروهای دولت مورد حمایت عربستان علیه حوثی‌ها و گسترش حملات موشکی و پهپادی این گروه، بار دیگر از مرزهای یمن فراتر رفته و عربستان و مسیر راهبردی باب‌المندب را مستقیماً درگیر کرده است. روز گذشته عربستان اعلام کرد که در حملات حوثی‌ها، فرودگاه‌های جازان و نجران عربستان هدف قرار گرفتند و دست‌کم سه نفر زخمی شدند؛ ریاض همچنین اعلام کرد چند موشک حوثی‌ها، ازجمله یک موشک بالستیک به سوی خمیس مشیط، رهگیری شده است.

حوثی‌ها علاوه بر جازان و نجران، مدعی حمله به فرودگاه ملک خالد در ریاض، فرودگاه ابیها، پایگاه هوایی ملک خالد و پایلایشگاه آرامکو در رابغ شده‌اند. این ادعاها از سوی رسانه‌های معتبر تأیید نشده‌اند. روز گذشته حملات با هدف قرارگرفتن فرودگاه بین‌المللی عدن وارد مرحله تازه‌ای شد. وزارت حمل‌ونقل یمن اعلام کرد موشک‌های بالستیک و پهپادهای انفجاری حوثی‌ها فرودگاه را هدف قرار دادند؛ یک موشک در نزدیکی باند فرود آمد و پروازی از قاهره ناچار شد به جده تغییر مسیر دهد.

محور اصلی نبرد اکنون مناطق اطراف تنگه باب‌المندب است؛ گذرگاهی که با اختلال در هرمز اهمیت بیشتری برای صادرات انرژی و تجارت جهانی پیدا کرده است. نیروهای دولت یمن با پشتیبانی هوایی ائتلاف به رهبری عربستان عملیات گسترده‌ای را برای پس‌گرفتن مناطقی آغاز کرده‌اند که حوثی‌ها طی هفته‌های اخیر در ساحل دریای سرخ، ازجمله اطراف مخا تصرف کرده بودند. مقام‌های دولت یمن از پیشروی و بازپس‌گیری بخش‌هایی از این مناطق خبر داده‌اند، هرچند تثبیت این دستاوردها هنوز قطعی نیست.

اهمیت باب‌المندب فقط نظامی نیست؛ کنترل یز تهدید این گذرگاه می‌تواند بر مسیر انتقال نفت، کالا و کشتیرانی میان اقیانوس هند، دریای سرخ و کانال سوئز اثر بگذارد. همین موضوع باعث شده عربستان حمایت از عملیات زمینی نیروهای یمنی را افزایش دهد و هم‌زمان برای تقویت دفاع خود از کمک متحدان استفاده کند. ترکیه نیز اعلام کرده تجهیزات دفاعی، اطلاعات، پشتیبانی لجستیکی و کمک در حوزه پهپاد و پدافند را در اختیار عربستان می‌گذارد؛ هرچند هنوز نیروی رزمی ترکیه وارد عملیات نشده است.

تشدید دوباره جنگ، هزینه انسانی سنگینی ایجاد کرده است. سازمان بین‌المللی مهاجرت سازمان ملل اعلام کرده از اوایل سپتامبر تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر در یمن آواره شده‌اند؛ رقصی که در اواسط سپتامبر حدود ۷۶ هزار نفر بود. استان تعز بیشترین فشار را تحمل کرده است و هزاران نفر

نیز از راه دریا به جیبوتی گریخته‌اند. درگیری حوثی‌ها و دولت مورد حمایت عربستان با امنیت دریای سرخ، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بحران گسترده‌تر انرژی در خاورمیانه گره خورده است. حوثی‌ها در دو هفته گذشته جزایری در دریای سرخ و همچنین شهر بندری مخا را تصرف کرده و حضور خود را در اطراف تنگه باب‌المندب گسترش داده‌اند. اما در روزهای اخیر برخی از این مناط از کنترل حوثی‌ها خارج شده است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک موقت فارغ التحصیلی **اینجناب نرگس مهدیه فرزند:ولی به شماره شناسنامه ۲۲۸۱۳۰۹۷۵۴ صادره از شیراز در مقطع کارشناسی ژنتیک صادره از دانشگاه آزاد پیشوا ورامین با شماره سریال ۱۴۹۵۱۴۳۰۲۷۱۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.**ازاینده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا ورامین به نشانی: ورامین، پیشوا. دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا ورامین ارسال نماید

کارت دانشجویی **اینجناب سوفیا خوسفی**

بیر جندی به شماره دانشجویی ۴۰۳۵۴۱۳۳۹

صادره از دانشگاه علم و صنعت مفقود گردیده

واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.